

## سبک قرپیت



## جوانان امروز ناتوان در تصمیم‌گیری

# حق انتخاب را از فرزندان خود دریغ نکنیم

یکی آنقدر به فرزندان از همدان خود کی بهیامی دهد که تصمیم گیرنده تمام و کمال زندگی شان می شود و دیگری اجازه نمی دهد فرزندان خود کوچک تر تصمیم درازگی خود را بگیرد. هر دو حالت افراط و تفریطی وجود دارد که با کودکی، ما که ما که است، آند جامعہ خود را اسلاند

مناسب نیست، اصولاً در هیچ کاری نباید افرات و تفریط داشت. در حوض مناسب ترین روش اینست که هر کاری را، پدر و مادر با هماهنگی اوقات دانش آموز و به محبت و جای فرزندشان تصمیم می گیرند و مجال تصمیم گیری از آن سبک می گیرند. در این مواقع روان شناسان توصیه می کنند که برای تقویت مهارت کودکان، تصمیمات مستقل ساده را به فرزندانش واگذار کنند و معانی مفاهیم جدیدی را به عنوان موضوعات نوین تصمیم سازی، با آنان تمرین کنید.

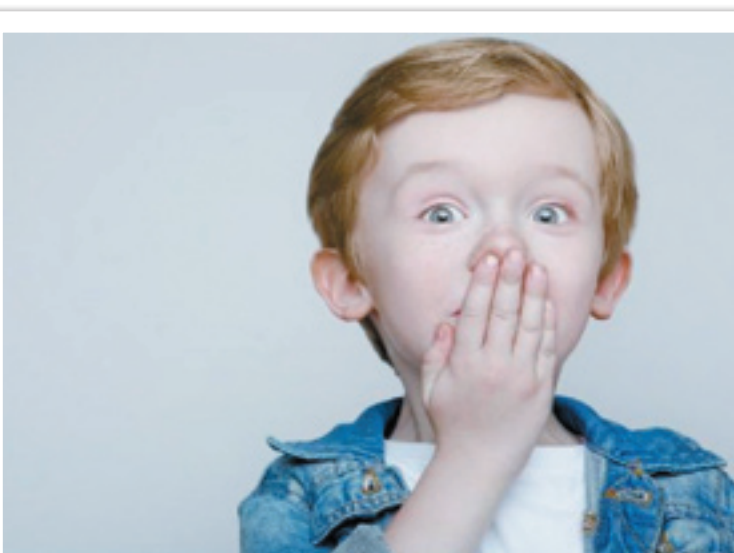
خانواده ای را می شناسم که پسر ۱۵ ساله دارند والدین این نوجوان ۱۵ ساله در تمام مراحل زندگی فرزندانش به جای پرسش تصمیم گرفته اند و او را لحرم یا بچه اتاجام می دانند. والدین این معتمدالدینش چرخ وصلای او را بهتر می مانند. اما والدین

این پسر نوجوان به دلیل آنکه تصور می‌کند فرزندانش نابغه و برخی والدین از ترس آنکه مبادا فرزندشان با تصمیم اشتباهی آسیب ببیند اجازه نمی‌دهند حتی کوچک‌ترین تصمیمی را بگیرد. نطفه‌ای این خانواده‌ها همان فرزندسالاری است، اما فرزندسالاری به معنای آن نیست که والدین به فرزندانشان هستند سالار و فرزندانشان به آن‌ها مطیع و مطاع. والدین به فرزندانشان به آن قدر مراقب و مواظب فرزندانشان هستند که ۱۵ ساله در چنین شرایط ایجاد شده‌ای حتی نمی‌تواند به والدینش نظر و عقیده خود را ابراز کند و باید از این شرایط بدی که آنها برای ایجاد کردند گله و شکایت کند. نه آنکه تصور کنید از والدینش می‌ترسد پس چون از خود هیچ اراده و نظری ندارد و توان ایستادن در مقابل تصمیمات اشتباه والدینش را هم ندارد، زیرا والدین این نوجوان از کودکی به او اجازه تصمیم‌گیری نداده و مهارت تصمیم‌گیری را به او نیاموخته‌اند. چنین نوجوانی در کودکی خود می‌ماند و از نظر شخصیتی رشد کامل نمی‌کند.

در هر دو خانواده که فرزندسالاری در آنها حاکم است نوع بر خورد و تربیت اشتباه است. هر دو گروه از یک ور بام افتاده اند.

## رفتار والدین مهم‌ترین عامل دروغ‌گویی فرزندان

## کودکان دروغ‌های ما را می‌بینند



معمولاً کودکان از ترس تنبیه شدن دروغ می‌گویند. باید بدین‌همه که تنبیه یا تحقیر کودکان علاوه بر تخریب بار روانی معصومانه آنها باعث شکل‌گیری نوعی اضطراب در درونشان می‌شود و کودکان برای دوری از این اضطراب و عواقب کارهایشان دروغ می‌گویند. اما به‌غیر از محیط خانواده جامعه هم دروغ گفتن را به‌پهچاهای می‌دهد. مثلاً اگر دانش‌آموزی خواب‌بم‌اند و در به مدرسه برسد اگر دلیل واقعی آن را بگوید تنبیه می‌شود و ولی اگر یک دروغی جور کند بگوید کسی با او کاری ندارد.

همیشه گفتن حقیقت برای انسان سخت است ولی هیچ  
کس حوصله و گرفتارند در حال تربیت فرزند خود هستند.  
بنابراین هیچ یک از این دلایل، قصور در امر تربیت را توجیه  
نمی‌دهد. اما در خانواده‌ها به‌هم دروغ بگویم کودک ما  
هم یاد می‌گیرد. کودک که مدام به والدینش دروغ می‌شود  
همه‌ی بادی می‌گیرد که چه دروغ بهتر یگوید تا کسی متوجه‌شود.

یکی آنقدر به فرزندش از همان کودکی بهای می‌دهد که تصمیم‌گیری‌های تمام و کمال زندگی‌شان می‌شود و دیگری اجازه نمی‌دهد فرزندش حتی کوچک‌ترین تصمیم‌زیری را خود بگیرد. در هر دو حالت افراط و تفریطی وجود دارد که برای کودکان ما که قرار است در آینده جامعه خود را بسازند، مناسب نیست. اصولاً هیچ‌کدام برای نایب‌الافراط و تفریط نیست. در حد وسط مناسب‌ترین روش برای انجام هر کاری است. پدر و مادر هالایب‌الافراط از شدت دلبستگی و محبت به فرزندانشان تصمیم می‌گیرند و فرزندشان را به‌جای تصمیم‌گیری از او سلب می‌کنند. در این مواقع روان‌شناسان توصیه می‌کنند که برای تقویت مهارت‌های کودکان، تصمیمات مسائل ساده را به فرزندان واگذار کنید. این موضوعات را می‌توان به عنوان موضوعات نوین تصمیم‌سازی با آنان تعریف کرد.

می‌برد، با این روش کودکان در نهایت نسبت به توانایی خود برای تصمیم گیری درست، اعتماد به نفس پیدا می کنند و می توانند در تمامی زمینه ها، جمله تصمیم های بی اهمیت و بی ضرر آنها مربوط می شود در صورت تصمیم بگیرند، با فرزندانشان خود صحبت کنیم و به آنها بگوییم چرا تصمیمی را صحیح یا بد وقت گذاشتن و موضوع را رد تحلیل کرد. به ویژه وقتی موضوع تصمیم گیری کودکان از زندگی آنها بیگانه است.

تصمیم بهزارت تصمیم گیری در کد گمانان آنها را برای آمیخته و تمسین بزرگ زندگی شان آماده می کند. وقتی فرد می بیند که من جوانی را سرزده سید به تصمیم مهم زندگی خود می بگیرد. به تصمیمی که تمام عمر و زندگی اش را تحتالشعاع قرار می دهد، تصمیم را می گیرد. تصمیم، انتقال، انتخاب و فرسار این تصمیم است تا حد زیادی در زندگی او تاثیر انسانی را مشخص می کند و اثرات و عواقب درست با غلط این تصمیم بر کل عمر انسان قابل مشاهده است. با تقویت بهزارت تصمیم گیری در فرزند نامان به خود اجازه ندانیم در این به تصمیم مهمی خالت کرده به جای آنها تصمیم بگیریم. چنین توانایی در کودکی خود می مانند و از نظر شخصیتی رشد نمان می کنند.

**مهارت تصمیم‌گیری را به فرزندانمان بیاموزیم**  
معمولاً تصور می‌کنیم برای اینکه والدین خوبی باشیم باید بگذاریم فرزندانمان برای آینده خود تصمیم بگیرند و مسئولیت کامل عواقب تصمیمات خود را بپذیرند.

کنیم و واقعیت هر آنچه پیش می آید را در خانه مطرح کردیم. پایه‌های اعتماد خود به خود کمان را مستحکم تر کرده‌ام. مثلاً اگر است برای خرید با مهمانی کودک خود اگر انبرید به او رانستار را بگویند نه در به خرید با مهمانی کودک به دکنر یا هر چیز دیگری: زیرا کودک شما بالاخره متوجه می‌شود که شما خرید با مهمانی رفتاید و این بی‌اعتمادی کودک به شما ایجاد می‌کند. یا اینکه اگر قرار بوده کسی کاری برای کودک انجام دهید ولی به دلیل فراموش کرده‌اید دروغ بگویند. واقعیت را به فرزندتان بگویند شاید از شما دلخور شود ولی این راستگویی به شما اعتبار می‌بخشد. حقیقت این است که صادق بودن و راستگویی اعتماد کودک را به والدین بیشتر، در کنار آن نیز اعتماد به نفس و همچنین مسئولیت‌پذیری را در کودکان تقویت می‌کند. وقتی کودک والدین خود را ببیند که مسئولیت اشتباهی که انجام داده‌اند را می‌پذیرند و به او واقعیت را می‌گویند که فراموش کرده‌اند کار او را انجام دهند، در واقع این را به فرزند خود یاد می‌دهند که باید مسئولیت اشتباه خود را بپذیرد حتی اگر به ضرر او باشد و اگر حمایت خوبی از طرف والدین صورت بگیرد، کودکان می‌توانند تقریباً با هر ناامیدی که پیش می‌آید مقابله کنند. برعکس این هم ممکن است و اگر کودک مدام با دروغ‌های والدین مواجه شوند، حتی در مورد ساده‌ترین حقایق که می‌شنوند هم دچار شک و بی‌اعتمادی می‌شوند. اعتماد اندک‌اندک در کودک ایجاد می‌شود که فرزندتان را توانمند در جزئی‌ترین ترفین‌ها و مسائل و مشکلات و خطرات انتظار داریم در آینده با ما صادق باشند و به ما و حرف‌های ما اعتماد کنند. والدینی که در نوجوان و جوان خود دچار مشکل عدم راستی که شخصیت خود را واقع در حال زمان کودک می‌درست زبانی که شخصیت خود را واقع در حال زمان کودک می‌درست است با عدم صداقت و راستی پایه‌های بی‌اعتمادی را

بین خود و دوزخستان باز کرده‌اند. والدین تصور می‌کنند که کودکان همیشه در همین سن می‌ماند غافل از اینکه کودکان در کل دنیا با کل آنها و دوزخ‌داری از آنها دراز رشد است و این کودک در آینده به جوانی تبدیل می‌شود که دیگر به آنها هیچ اعتمادی نخواهد داشت.

## بازی‌های رایانه‌ای به نفع چه کسی است؟

## والدین راضی، بچہ ہا مشغول بازی!

■ حسین گل محمدی

در زمان‌های نه چندان دور بازی برای بچه‌ها معنای متفاوتی داشت. بچه‌های محل یک یا دو نفر با هم می‌نشاند و دور هم جمع می‌شدند و با هم بازی می‌کردند. در همین بازی‌ها بچه‌ها تعامل و پستی و بلندی، همکاری و همراهی، مبارزه و هدف داشتند با بدون آنکه خودشان بدانند کسی وادارشان کرده باشد یا هم تمرین می‌کردند و در قالب بازی، مهارت‌های زندگی را یاد می‌گرفتند. کوچه برای بچه‌ها به خصوص در فصل تابستان محل بازی و دوستی‌ها بود. در فصل مدرسه و سه‌راه با بازی‌های مثل منج و مارله به در خانه خودشان را سرگرم می‌کردند، اما، به‌مرور زمان والدین به خاطر ترس‌های درونی‌شان مثل ترس از تصادف، ترس از زمین خوردن، ترس از زود دیده شدن، ترس از دوستی‌ها منع کردند و بد و ترس‌های دیگر، کوچه و بازی با بچه‌ها کوچه را برای فرزندانشان منع کردند و بپوشان بپوش بازی با هم بازی جای خود را به بازی‌های رایانه‌ای داد. بازی‌هایی که تحرک و تخلیه انرژی را از کودکان می‌گیرد. در حالی که هدف عمده بازی، تخلیه نیروی اضافی و بدنه است که کودکان با لگد زدن، جعب کشیدن، کشتی گرفتن و غیره انرژی اضافی خود را مصرف می‌کنند.

والدین راضی از تغییر سبک بازی

وافر می‌برد. بی‌شک اگر کوی‌های ما و جوانان  
همچ تنگتری مدام به بازی‌های رایانه‌ای  
مشغول باشند، آنها را به خدمت و معارف و استیلا  
به خود می‌کند. درواقع یکی از خطرناک‌ترین  
اثرات مضمون‌های رایانه‌ای اعتیاد به این  
ابزارهاست که بیش از هر چیز کودکان را  
تهدید می‌کند. شاید به این دلیل است که  
خصوصاً جوانان را تهدید می‌کند. شاید  
تغذیه غریزاً کلیه پیچید اما تغذیه جدی  
است که امروز باید ما به آن می‌توانیم.

کامپیوتری به دلیل کیفیت و گرافیک تصویری ■ نابغه‌هایی که از درس عقب می‌مانند

و همچنین قیمت مناسب و در دسترس بودن آن و سبک، سریع، با پورت‌های بالا یا خود را می‌توان کودکان و نوجوانان ایرانی باز کرد. اما این آلود بودن، از کار انداختن غیر جانبدار، مغرب‌ال‌حال، به نفع صد یا بیشتر رساندن، درگیری و آلود بودن به نفع آسیب رساندن نیز یکی و اگر گرفتن جان موجود زنده می‌تواند تأثیرات مخربی بر ذهن و رفتار کودکان باز بگذارد.

**کلیسوس پرخشگی: بازی‌های رایانه‌ای**

تقویت بخش پرخشگی، از ناطلی، تبدیل شدن ذهن، افت اخلاقی، افت تحصیلی، بی‌حرکی و چالشی مغز و همچنین اعتیاد و وابستگی به آن، از بازی‌های رایانه‌ای از جمله آسیب‌های آن است. این بازی‌های رایانه‌ای به دلیل خود بودن موجودات بی‌بازی‌ها و کشتن و از بین بردن موجودات زنده در بازی، افرادی عصبی و پر خاشنگر کرده و آنها را به بازی‌های عصبی و کم تحمل تبدیل می‌کند که گاهی نیز بسیار گوشگیر شده و میل به تنها بودن در خود احساس می‌کند. همچنین مواردی از خرابی اخلاقی در برخی از بازی‌ها وجود دارد که می‌تواند کودکان را دچار مشکل نموده و انحرافات اخلاقی در آنها ایجاد می‌کند. افت تحصیلی نیز از موارد بسیار بازی است که هر گریبان کودکان و نوجوانانی که پای ثابت بازی‌های رایانه‌ای هستند را می‌گیرد. این گروه از بازی‌ها هنر را نسبت به آموزش و درس‌اند کرده و موجب بی‌میلی در کودکان و نوجوانان

**سود و زیانش به رفتار ما بستگی دارد**

البته بازی‌های رایانه‌ای اگر چه برای کودکان کار بسیار خطرناک و مضر است ولی چنانچه به مدیریت و شیوه استفاده صحیح از آن هم‌راه باشد می‌تواند فواید خود را نیز داشته باشد. به عنوان مثال فرایند یادگیری را آسان و توجیه‌ناپذیر را جلب می‌کند. همچنین در صورتی که از جنبه بازی‌های حل معما و خالی از خشنودت باشد می‌تواند با استفاده معقول و متعادل به تقویت هوش کودکان کمک کند. بازی‌های رایانه‌ای همچنین در صورت استفاده متعادل و برنامه‌ریزی شده به برخی هماهنگی‌ها میان چشم و دست و پرورش عضله‌ها کمک می‌کند. برخی از بازی‌های رایانه‌ای در قالب برنامه‌های آموزشی هستند که به نوجوانان کمک می‌کند تا بسیاری از مهارت‌های زندگی را با خود تیراند و تمرین کند. بازی‌های رایانه‌ای مثل هر فناوری و امکان‌راهی و سرگرمی دیگری با استفاده صحیح از آن می‌تواند برای استفاده کنندگان مفید یا با استفاده افراطی و غیراصولی از آن بسیار مضر و خطرناک باشد. فواید و مضرات آن بستگی به انتخاب و نوع استفاده دارد.

## بازی‌های رایانه‌ای خیلی سریع

در خانه‌های ایرانی جای خود را باز کرده و والدین هم خوشحال از اینکه فرزندان‌شان در خانه وزیر نظر خودشان بازی می‌کنند اجازه بازی‌های رایانه‌ای را در زمان‌های بیشتر به فرزندان‌شان می‌دهند.